

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۹

وضعیت کشاورزی فارس در دوره صفویه

فاطمه دیا^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۳۰

چکیده:

چگونگی تشریح و تبیین وضعیت کشاورزی فارس در دوره صفویه، از جمله مسایل پیچیده تاریخی این دوره به‌شمار می‌رود که با وجود پژوهش‌های انجام شده، هنوز نیازمند تحقیقات بیشتر است. نوشتار حاضر تلاش کرده تا پرتوی بر برخی از زوایای این مسئله بیفکند. در این پژوهش، مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند وضعیت کشاورزی و کشاورزان در نظام زمینداری صفویان، به ویژه ایالت فارس بررسی شده‌اند، از جمله این عوامل می‌توان به وضعیت مالکیت کشاورزان، انواع زمینداری، نظام مالیاتی، انواع اقسام تحمیلات و بیگاری‌ها، و غیره اشاره کرد. مدعای این مقاله بر آن است که وضعیت کشاورزی در فارسی متکی به نظام تیول‌داری و زمینداری و همچنین اوضاع و شرایط سیاسی و اقتصادی دوره صفویه داشته‌است. بدان معنا که در شرایط باثبات سیاسی و اقتصادی وضعیت کشاورزی در فارس مناسب بوده‌است، اما در شرایط بحرانی و عدم ثبات سیاسی و تحمیل انواع مالیات‌ها و سخت‌گیری‌های مالکان، به خصوص در جریان سیاست خاصه‌سازی، نارضایتی‌ها و شورش‌هایی را از سوی کشاورزان و روستاییان فارس شاهد هستیم. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی کوشیده‌است تا به تشریح و تبیین فرایند وضعیت کشاورزی فارس در دوره صفویان بپردازد.

واژگان کلیدی: کشاورزی، زمینداری، مالکان، مالیات، فارس، صفویه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران در دوره اسلامی دانشگاه تهران f.diba1374@gmail.com

۱- مقدمه:

ظهور سلسله صفویه در قرن شانزدهم میلادی (۱۰ هجری) نشانی است از آغاز دورانی جدید در تاریخ ایران. به لحاظ سیاسی، ایران دارای حکومتی ملی و به لحاظ دینی مذهب تشیع را برمی‌گزیند، اما مسئله کشاورزی و زمین‌داری در دوره صفویه دارای معنی و مفهومی جدید می‌گردد. بدان معنا که زمینداری و مسئله کشاورزی یکی از منابع اصلی درآمد پادشاهان یا مالکان محلی، به ویژه در حوزه هزینه‌های جنگی و آباد کردن ایالات بود. به طوری که در اواخر سلسله صفویان شاهد هستیم که با زوال نظام زمینداری و کشاورزی، شورش‌ها و ناآرامی‌هایی در برخی از ایالت‌ها، به ویژه فارس به وجود آمد که نقش مهمی را در نارضایتی مردم و مالکان از دولت صفوی ایفا کرد.

فارس همواره یکی از ایالاتی در دوره صفوی بوده که نقش مهمی را در تحولات سیاسی و اقتصادی داشته و در دوره شاه صفی بود که خاصه‌سازی زمین‌های کشاورزی در مورد این ایالت انجام شد. سیاست خاصه‌سازی زمین‌های کشاورزی که برای تهیه هزینه‌های جنگی صورت پذیرفت، بار مالیاتی سنگینی را بر دوش مردم فارس تحمیل کرد و همین امر سرآغاز شورش‌های در ایالت فارس شد که به قتل امام قلی‌خان، حاکم فارس انجامید؛ بنابراین، یکی از مسائل مهم در نظام زمینداری صفویان، چگونگی وضع اقتصادی و زیستی کشاورزان در ایالت‌هایی بود که ابعاد آن، چنان که باید، مطالعه نشده است. هر چند پژوهش‌هایی درباره اوضاع اقتصادی صفویان صورت پذیرفته است، اما به وضعیت کشاورزی در دوره صفویه، به ویژه ایالت فارس چنان که باید توجه نشده است. کمبود منابع تاریخی در مورد نحوه اداره و مالکیت زمین و زیست طبقه کشاورزان در ایالت‌هایی، نظیر فارس ناشی از ماهیت جغرافیایی فلات ایران بود که دور از دید سفرنامه‌نویسان اروپایی قرار داشت. در منابع تاریخی این دوره هم اطلاعات پراکنده‌ای در باب موضوع کشاورزی وجود دارد و تنها اشاره‌هایی گذرا به این موضوع شده است.^۱ بنابراین این مقاله در تلاش است به این سؤال پاسخ دهد که وضعیت کشاورزی فارس در دوره صفویه چگونه

۱. سلطانیان، «بررسی عوامل مؤثر بر وضع اقتصادی کشاورزان در دوره صفویان»، ص ۱۹۷.

بوده است؟ مدعی نوشتار بر آن است که وضعیت کشاورزی در اوایل دوره صفویه به دلیل ثبات سیاسی و اقتصادی همراه با تمرکز قدرت، به خصوص در دوره شاه عباس اول مناسب بوده است، اما در اواخر سلسله صفویان، به ویژه در دوره شاه صفی کشاورزان فارس به دلیل تحمیل مالیات‌ها و سایر عوارض دولتی و انواع بیگاری‌ها از سوی مالکان خود وضعیت چندان مناسبی نداشتند و گاهی این نارضایتی‌ها منجر به شورش مردمان این ایالت می‌شده است. این نکته هم شایان ذکر است که کشاورزان در دوره صفوی، به ویژه ایالت فارس مالکیتی بر زمین خود نداشته و برای اربابان خود خدمت می‌کردند.

در ادامه به روند تشریح نظام زمینداری و کشاورزی فارس در دوره صفویه خواهیم پرداخت و نتایج و پیامدهای سیاست‌های حکمرانان فارس را در روند وضعیت کشاورزان فارس با توجه به نظام زمینداری و کشاورزی صفوی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲- فارس در دوره امام قلی خان:

ایالت فارس همواره در طول تاریخ در سیاست‌های حاکمان وقت جایگاه بسیار ارزشمندی را به خود اختصاص داده است. به گفته محمدتقی خان حکیم «در عهد سابقه و قرون سالفه سلاطین ایران مملکت فارس را منتخب و دارالملک نمودند... پس رجحان و امتیاز فارس بر سایر ممالک ایران معین است».^۱ علاوه بر آن در دیگر دوره‌ها نیز حاکم‌نشین اصلی مناطق جنوبی ایران به حساب می‌آمد و کنترل تمام شهرها و بنادر جنوب کشور در دوره صفویه با مرکزیت شیراز اعمال می‌شد.^۲ این ویژگی در دوره صفویه با استقرار الله وردی خان و پسرش امام قلی خان مورد تأکید بیشتری قرار گرفت.^۳ پیش از آغاز حکومت صفویه، سلطان مراد، آخرین سلطان آق قویونلوها، حاکم فارس بود.^۴ اما سپس تا سال ۱۰۰۴ ه.ق / ۱۵۹۵ م الله وردی خان گرجی یکی از

۱. حکیم، گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، ص ۶۸۱.

۲. وثوقی، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ص ۲۶۳.

۳. آربری، شیراز، ص ۷۰.

۴. حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، ص ۳۶۹.

قدرتمندترین افراد دولت صفویه بود. او نه تنها تصدی مقام قوللر آقاسی یا فرمانده هنگ‌های غلامان را عهده‌دار بود، بلکه حکمران ایالت ثروتمند فارس نیز بود. با این انتصاب، الله وردی خان به تساوی رتبه با امرای قزلباش دست یافت و اولین نماینده اشرافیت جدید غلامان شد.^۱

شاه عباس اول پس از مرگ الله‌وردی خان، حکومت را به فرزندش، امام قلی خان، واگذار کرد. امام قلی خان با آن که در فارس صاحب اختیار تام بود و مانند پادشاه مستقلی حکومت می‌کرد، هیچ‌گاه سراز اطاعت شاه عباس نیپچید و همیشه برای اجرای دستورهای او آماده بود. شاه عباس هم به خان فارس اطمینان و اعتماد کامل داشت و او را بیشتر از تمام سرداران و بزرگان ایران محترم می‌داشت. اطمینان و اعتماد شاه عباس به امام قلی خان به حدی بود که در دوران حکومت او هرگز به فارس نرفت و امام قلی خان را در اداره قلمرو حکومت کاملاً آزاد و بی‌رقیب گذاشت. امام قلی خان علاوه بر خدمات سیاسی و نظامی در خدمت دولت صفویه، و انجام مأموریت‌های عمرانی به دستور شاه عباس اول، در دوران حکومت خود در فارس به‌آباد کردن این ایالت علاقه بسیار داشت و اقدامات عمرانی و فرهنگی گسترده‌ای در قلمرو حکومتی خود انجام داد. به گونه‌ای که فارس در زمان حاکمیت او به بیشترین میزان تحول در اصلاحات اقتصادی و فرهنگی خود دست یافت. در این دوره کشاورزی وضعیت خوبی داشت و از منابع مالی زمین‌های کشاورزی علاوه بر این که بخشی از آن به خزانه دولت فرستاده می‌شد، بخشی از آن نیز صرف هزینه‌های خود فارس، به ویژه در بخش عمرانی آن می‌شد. این منابع سرشار از زمین‌های کشاورزی ناشی از ثبات نسبی بود که امام قلی خان در طول حکومت‌داری خود در فارس ایجاد کرده بود.^۲ به‌طور کلی، در زمان حکمرانی الله‌وردی خان و پسرش، امام قلی خان، جمعیت فارس به دلیل سیاست‌های باثبات در امر کشاورزی رشد فراوانی داشت و هربرت آن را دومین ایالت قلمرو صفویه می‌دانست، اما در دوره شاه صفی جمعیت شیراز به دلیل سیاست‌هایی، نظیر سیاست خاصه‌سازی در امر کشاورزی به میزان چشمگیری تقلیل پیدا کرد.

۱. سیوری، ایران عصر صفویه، ص ۷۰.

۲. ثواقب، «بررسی علل و پیامدهای قتل امام قلی خان حاکم فارس در عصر شاه صفی»، ص ۴-۵.

۳- سیاست خاصه‌سازی در فارس و تأثیر آن بر کشاورزی:

در منابع تاریخی، به ویژه *فارسنامه* این بلخی، فارس ایالتی آباد و حاصلخیز با زمین‌های کشاورزی بسیار زیاد وصف شده است. توصیف نهرها و دشت‌های ایالت فارس همراه با آبادی‌های مسکون در این کتاب به خوبی توصیف شده است.^۱ به دلیل همین ویژگی منحصر به فرد، این ایالت از دیرباز مورد توجه حاکمان، به ویژه پادشاهان صفوی قرار گرفته است، که می‌توان اهمیت چنین ویژگی را در مورد اجرای سیاست خاصه‌سازی ایالت فارس از سوی حاکمان صفوی مشاهده کرد. سیاست خاصه‌سازی از اوایل دوره صفوی ابتدا در دو ایالت گیلان و مازندران به کار گرفته شد. در دوره شاه عباس برای کسب درآمد بیشتر و پر کردن خزانه در برخی از مناطق حکام حذف گردیدند و اداره امور به وزرا واگذار شد. به این سیستم، اداره «خاصه‌سازی» و به ایالاتی که به این شیوه اداره می‌شدند «ایالات خاصه» می‌گفتند، یعنی ایالاتی که خاصه شاه و درآمد آنها مختص خزانه شاه است.^۲ شاه عباس سیاست خاصه‌سازی را برای تسهیل امر اصلاحات در پیش گرفت و تا حدی نیز به اهداف خود دست یافت، اما به زودی ثابت شد که این سیاست پیامدهای منفی زیادی به همراه دارد که در زمان جانشینان او به وضوح بیشتری خود را نشان داد. از جمله این پیامدها می‌توان به فشار مالیاتی به کشاورزان، خالی شدن خزانه، متوقف شدن فعالیت‌های عمرانی در ایالات، افزایش قیمت محصولات کشاورزی، رکود تجارت و غیره اشاره کرد. هر چند که سیاست خاصه‌سازی در دوره شاه عباس اول به ایالات گیلان و مازندران محدود ماند، اما پس از وی، جانشینانش این سیاست را به شکل افراطی ادامه دادند. در اولین قدم، شاه صفی ۱۰۵۲-۱۰۳۸ / ۱۶۴۲-۱۶۲۸ با قتل امام قلی‌خان، حاکم بزرگ فارس آن ایالت پهناور را خاصه کرد. تاورنیه در این مورد می‌نویسد: «پس از قتل امام قلی‌خان و نابودی خانواده‌اش، حکومت ایالات محکومه او را میان وزرا و پیشکاران تقسیم کرد و آنها مستقیماً مالیات هر ولایتی را به شاه می‌رساندند و خان مستقل برای آنجاها معین ننمود».^۳

۱. ابن بلخی، *فارسنامه*، ص ۱۵۴-۱۵۰.

۲. میرجعفری و دیگران، «پیامدهای سیاست خاصه‌سازی در دوره صفویه»، ص ۳.

۳. تاورنیه، *سفرنامه*، ج ۲، ص ۵۲۱.

تنها دغدغه وزرا در ایالات خاصه مانند فارس، جلب رضایت شاه و پر کردن خزانه نبود، بلکه نفع شخصی نیز در این قضیه بسیار دخیل بود، به خصوص این که وزراء شغل خود را از طریق تقدیم هدایا به اطرافیان شاه به دست می‌آوردند و معمولاً اولین هدف آنها در ایالت جبران مبالغی بود که از این طریق از دست داده بودند. به همین سبب، انگیزه آنها برای فشار بر رعایا مضاعف شد. شاردن می‌نویسد: «از زمانی که فارس خاصه شد، از ساکنان آن ۸۰ هزار نفر کاسته شد».^۱

این فشارها منجر به اعتراضات وسیع کشاورزان و عزل و نصب پیاپی وزرا شد که بیشترین گزارش‌ها در این مورد متعلق به ایالات فارس، مازندران و گیلان بود. به طور نمونه، میرزا صدر جهان، وزیر ایالت فارس در دوره شاه عباس دوم که مؤظف بود کسری عواید دیوانی فارس در دوره امام قلی‌خان را جبران کند، نه تنها موفق به این کار نشد، بلکه به دلیل ظلم و ستم زیاد به کشاورزان معزول شد. یا در نمونه‌ای دیگر، میرزا صادق‌خان، دیگر وزیر فارس در دوران شاه سلیمان ستمکاری خود را به حدی رساند که حتی سفیر ویژه هلند نیز از او نزد شاه شکایت برد.^۲

۴- عدم مالکیت زمین‌های کشاورزی در فارس:

از منابع تاریخی آن دوره چنین استنباط می‌شود که در نظام زمینداران صفویان، امکان مالکیت برای کشاورزان عادی وجود نداشته است. بیشتر اراضی ملک شاهی، خاصه بودند و کمتر اربابی. در اراضی خاصه، وزیران اختیار اراضی را در دست داشتند و روستاییان، بنا بر توانایی خود از وزیر مقداری زمین می‌گرفتند و به میل خود کشت می‌کردند.^۳ مینورسکی بر این اعتقاد است که کشاورزان، که بزرگ‌ترین طبقه اجتماعی را در این دوره تشکیل می‌دادند، در هیچ یک از اشکال زمینداری، مالکیتی نداشتند و فاقد زمین بودند.^۴ این نشان از آن دارد که مالکیت خصوصی برای

۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۸، ص ۱۷۴.

۲. همان، ج ۹، ص ۲۲۰-۲۱۹.

۳. سلطانیان، «بررسی عوامل مؤثر بر وضع اقتصادی کشاورزان در دوره صفویان»، ص ۱۹۹.

۴. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی (تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک)، ص ۳۴.

صاحب منصبان و افراد و دودمان‌های سرشناس، آن هم طبق شرایط و ضوابط خاص و با محدودیت‌هایی امکان‌پذیر بوده است و نه برای تمام کشاورزان معمولی. در این دوره، چندین گونه خاص از مالکیت خصوصی محدود وجود داشته‌است. یکی از این گونه‌های رایج، واگذاری تیول‌ها به شکل مادام‌العمر بود، مانند تیول‌هایی که از اراضی دولتی (ممالک) یا خاصه (سلطنتی)، به عنوان پرداخت حقوق یا به جهت واگذاری پاره‌ای از امتیازات شغلی، به صاحب‌منصبان لشگری و کشوری داده می‌شد. این نوع تیول، موروثی بود و به وارثان تیولدار به ارث می‌رسید، مگر این که صاحب‌منصب نظامی یا لشگری شغل خود را ترک می‌کرد، که در این صورت، تیول را از وی پس می‌گرفتند.^۱ نوع دیگری از تیول‌های موروثی، که آن هم به دودمان‌های سرشناس مذهبی و غیرمذهبی واگذار می‌شد، معروف به سیورغال بود که ممکن بود به مرور زمان، منجر به مالکیت خصوصی شود. این نوع تیول نیز که از اراضی وقفی خاصه یا بایر، به عنوان واگذاری پاره‌ای از امتیازات یا گذران معیشت داده می‌شد، موروثی بود، مگر در مواردی که به عللی، حکومت آن را پس می‌گرفت یا کسی آن را غصب می‌کرد. در این گونه‌های خاص و محدود مالکیت، امکانی برای مالکیت کشاورزان عادی وجود نداشت.^۲

شاردن در این مورد می‌نویسد که حاکم در ولایت خود شهریاری کوچک به‌شمار می‌رفت. او و صاحب‌منصبان او و قوایی که وی اداره می‌کرد قسمت اعظم عواید مالیاتی را صرف می‌کردند و فقط جزیی از آن را به شکل هدایا و حقوق و رسوم مخصوص به شاه می‌دادند. به همان طریق که شاه از حکام عوارض و مالیات می‌گرفت حکام نیز از کسانی که در قلمرو آنان می‌زیستند مالیات و عوارض می‌ستاندند و می‌توانستند ناحیه‌ایی را که تابع آنان بود به تقسیمات فرعی منقسم و به کسان واگذار کنند و نسبت به آنها نظارت کامل داشتند.^۳

۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۳، ص ۱۲۸۵.

۲. لمبتن، مالک و زارع در ایران، ص ۲۲۷.

۳. همان، ص ۲۱۶-۲۱۵.

۵- فشار مالیاتی بردوش کشاورزان فارس:

صفویان، پس از به قدرت رسیدن، وارث سیستم مالیاتی پیچیده‌ای شدند که از دوره‌های قبل، به ویژه از عصر آق قویونلوها، به ارث رسیده بود. در دوره صفوی، اصلاح چندان در این نظام مالیاتی صورت نپذیرفت و از سنگینی بار آن کاسته نشد. به ویژه می‌توان به مالیات‌های کشاورزی اشاره کرد که بردوش کشاورزان و در ایالت‌هایی، همچون فارس در اواخر دوره صفویه سنگینی می‌کرد. مالیات‌های کشاورزی شامل دو دسته کلی مالیات‌های ثابت و متغیر (تحمیلات) بود. منظور از مالیات‌های ثابت آنهایی است که بر زمین و تولیدات زمینی بسته شده بودند و به گونه‌ای یکسان و ثابت، سالانه دریافت می‌شدند. این گونه مالیات‌ها را به روش مساحی زمین، به تناسب تولید محصولات یا به صورت یک جا (بر اساس میزان ثابت محصولات) محاسبه می‌کردند.^۱

نوع دوم مالیات‌ها، متغیر بود. متغیر بودن این مالیات‌ها به این سبب بود که میزان و تقویم مشخصی برای دریافت آنها وجود نداشت تا مرتب و سالانه و در زمان معینی وصول شوند. این نوع مالیات‌ها در واقع، عوارض گوناگونی بودند که در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت و به علل و مناسبت‌های مختلفی بر کشاورزان و روستاییان تحمیل می‌شدند و در موارد بسیاری، سلیقه‌ای و ظالمانه بود. تحمیلات و فشارهای گوناگون چنان بود که گاهی باعث شورش کشاورزان می‌شد. ایالت فارس نیز در دوره حکومت حاکمان محلی بسیار باشکوه و پررونق بود. به نوشته شاردن، زمانی که این ایالت حاکم خوب داشت «به کشوری می‌ارزید و شیراز، حاکم‌نشین آن، آباد و پرجمعیت و همانند پایتخت کشوری باشکوه و پرثروت بود»، اما از زمانی که به جای حاکم، پیشکار (وزیر) آمد، هشتاد هزار نفر از جمعیت شهر کاسته شد و یکی از عوامل انحطاط این ایالت، بار مالیاتی زیاد بود.^۲

۱. همان، ص ۲۳۲-۲۳۱.

۲. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۳، ص ۱۱۶۶.

وی بخشی از ستمگری‌ها را ناشی از سودجویی‌های شخصی وزیران می‌دانست. گاهی نیز چنین فشارهایی سبب می‌شد که کشاورزان دهکده‌های خود را ترک کنند و به مناطق دیگری بگریزند. برای نمونه، در ایالت خاصه فارس چنین شد، اما پس از آن که شاه عباس دوم، صدر جهان را از وزارت آن ایالت برکنار کرد و آرامش نسبی حاکم شد، روستاییان فارس به دیار خود بازگشتند.^۱ یکی از دلایل اصلی صدور این حکم که روستاییان بدون مجوز رسمی مجاز به ترک روستایشان نبودند، همین فشارهای غیرقابل تحمل بود که منجر به گریز آنان می‌شد. حتی گفته شده که به علت این فشارها، شرایط زندگی یکجانشینان به مراتب بدتر از وضع زیستی چادرنشینان بوده است.^۲

فرمان‌ها و بخشش‌ها یا تغییرات مالیاتی، بیشتر جنبه محلی و ناحیه‌ای بوده یا طبقه خاصی از جامعه را در بر می‌گرفته و کمتر شامل حال تمام کشاورزان و روستاییان سراسر کشور می‌شده است. به عبارت دیگر، این گونه عوارض و تحمیلات در دوره صفوی، اصلاحات و تغییرات بنیادی و دائمی و سراسری نداشته و تا پایان دوره صفویان، در بسیاری از نواحی و ولایات، همچنان بر کشاورزان و روستاییان تحمیل می‌شده‌اند. برای مثال، فرمانی از شاه سلطان حسین، به تاریخ ذی حجه سال ۱۱۲۷، شاهی است بر آن که اخذ این اقلام مالیاتی همچنان استمرار داشته است. در بخشی از فرمان وی، که برای معافیت مالیاتی سادات میرسالاری صادر شده بود، خطاب به حاکم فارس آمده است: «فرمان نواب خاقان مخلص آشیان صاحبقرانی را من اوله الی آخره مضمی و منفذ دانسته به خلاف حکم حساب مزاحمتی به حال مشایخ ماسالاری مزبور نرسانده و تکلیف مالوجهات و سیورسات و چریک و هوایی و قلان و بیگار و شکار و طرح و دست‌انداز و آب و علف‌خوار و سایر شلتاقات مسوده الابواب به هیچ وجه من الوجوه به ایشان ننموده... همه ساله حکم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند». ^۳ با مقایسه انواع اقلام تحمیلاتی در این فرمان با آنچه در فرمان‌های شاه اسماعیل یکم و شاه عباس اول آمده است،

۱. وحید قزوینی، عباسنامه، ص ۳۱۹-۳۱۸.

۲. فوران، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ص ۶۱.

۳. سمسار، «دو فرمان و مهری تاره از پادشاهان صفویه و زندیه»، ص ۷۹-۹۰.

می‌توان دریافت که بسیاری از آنها همچنان در طول حکومت صفویان، در مناطق مختلف کشور برقرار بوده و از کشاورزان اخذ می‌شده‌است.

شماری از این گونه مالیات‌ها، به ویژه هنگام عبور سپاهیان و مأموران دیوانی از مناطق روستایی، از کشاورزان و رعایا دریافت می‌شده‌است. شاردن گزارش می‌دهد که شاه سنگینی مخارج خود را بر دوش کشاورزان می‌افکند و بر آن‌ها تحمیل می‌کند و اگر لازم می‌شد، آنان را به بیگاری می‌گرفت یا مخارجی را که خود باید می‌پرداخت، بر عهده مردم می‌نهاد. شاردن چنین می‌گوید که شاه هزینه تدارکات و حمل و نقل سفیران بیگانه را بر عهده ساکنان محلی که سفیر از آنجا می‌گذشته‌است، قرار داده بود. همچنین مخارج چراغانی‌هایی را که به مناسبت جشن‌های رسمی در شهرها یا نواحی مختلف برگزار می‌شده، مردم همان محل، به ویژه کشاورزان می‌پرداختند. در اراضی تیولداران نیز، چنین وضعی، البته با شدت کمتر، حاکم بود. هنگامی که تیولدار برای سرکشی به روستا یا منطقه‌ای از تیول خود می‌رفت، کشاورزان و ساکنان آن منطقه وظیفه داشتند به خوبی از او پذیرایی کنند. کشاورزان همچنین می‌بایست از نمایندگان و ناظران و تحصیلداران مالک پذیرایی کنند و برخی از هزینه‌های آنان را نیز بپردازند.^۱

۶- بیگاری کشاورزان فارس:

یکی از سیاست‌هایی که پادشاهان صفوی در مورد کشاورزان مناطق مختلف کشور، به ویژه ایالت خاصه فارس به کار می‌بردند، بیگاری بود. در این دوره، کشاورزان مجبور به انجام بیگاری نیز برای مالک بودند. نظارت و هدایت این بیگاری‌ها در هر روستا، معمولاً بر عهده کدخدای روستا بود. کدخدایان، که برای احترام، به آنان رئیس هم می‌گفتند، وظایفی نظیر وظایف کلانتران شهرها داشتند، هر چند اقتدار آنان به اندازه کلانتران نبود. کدخدایان، بیگاری‌ها را تحمیل، مالیات و عوارض را جمع‌آوری و فرمان مافوق خود را اجرا می‌کردند.^۲ این بیگاری‌ها هم در اراضی

۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۳، ص ۱۲۵۲.

۲. لمبتن، مالک و زارع در ایران، ص ۲۳۹.

خاصه، نسبت به اراضی تیولداران بیشتر بود، زیرا تیولداران برای حفظ منافع و مصالح خود، با تیول‌نشینان تا اندازه‌ای با مدارا و نرمی رفتار می‌کردند. به سبب این که تیول اغلب ارثی بود و تیولداران چنین می‌اندیشیدند که پس از آن‌ها، فرزندانشان صاحب شغل و تیولشان خواهند شد و از این رو، مصلحت را در آن می‌دیدند که برای آبادانی اراضی، با ساکنان تیول مدارا و آنان را برای منافع طولانی مدت خود راضی کنند.^۱

یکی از فرمان‌های شاه عباس اول که تاریخ آن ۱۵۹۸/۱۰۰۶ است و به عنوان یکی از ملاکان فارس به نام شیخ شهباز بن شیخ حیدر صادر شده در باب مسئولیت کلانتران در باب جمع‌آوری مالیات و بیگاری از کشاورزان است. این نامه بدین مضمون است: «فرمان همایون شد آنکه چون شیخ شهباز بن شیخ حیدر معروض داشت که مدت مدید است که ابا عن جد در قصبه اقلید متوطن است و در آنجا بعمارت و زراعت و آبادانی مشغول است و جزوی بنیچه در قریه ماردیچه دارد و از عهده مال و جهات آن نیز بیرون می‌آید و کدخدایان قریه مذکور تکلیف بردن او بدانجا می‌نمایند بنابراین مقرر فرمودیم که کدخدایان قریه مذکور چون مشارالیه ابا عن جد در قصبه مذکور متوطن است و حکم اعلیحضرت خاقان جمجاه جنت مکانی علیین آشیانی نیز در بن باب شرف ورود یافته و از عهده مال و حقوق دیوانی خود که در آنجا دارد بیرون می‌آید تکلیف بردن او بدانجا ننمایند و مزاحمت نرسانند عمال قصبه مذکور بعلت اخراجات و عوارضات خلاف حکم از بیگار و شکار و غیر ذلک بهر اسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر مشارالیه و اقوام او ننمایند. بعهده حاکم فارس که امداد نماید و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند».^۲

نتیجه:

این مقاله در تلاش بود تا با توجه به اوضاع و شرایط نظام زمینداری و کشاورزی در دوره صفویه به تشریح و تبیین وضعیت کشاورزی و کشاورزان فارس بپردازد. هر چند که منابع تاریخی دوره

۱. شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۳، ص ۱۲۶۰.

۲. لمبتن، مالک و زارع در ایران، ص ۲۳۹.

صفویه به وضوح به وضعیت زمینداری و کشاورزی دوره صفویه، به ویژه ایالت فارس اشاره چندانی نداشته‌اند، اما از شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که کشاورزی در ایالت‌هایی، همچون فارس وابسته به روند تحولات سیاسی و اقتصادی دوره صفویه و عامل تمرکز قدرت سیاسی بوده‌است. در این مقاله اشاره شد که با سیاست خاصه‌سازی در دوره شاه عباس اول هزینه تدارکات جنگی و عمرانی دولت بر عهده ایالت‌ها گذاشته شد. هر چند این سیاست در اوایل دوره صفویه نقش مهمی را برآورده ساختن منابع مالی حکومت و پر کردن خزانه داشته، اما در اواخر دوره صفویه برای ایالت‌هایی، نظیر فارس مسئله‌ساز شد. از جمله می‌توان به بار مالیاتی و عوارضی این سیاست خاصه‌سازی در ایالت فارس اشاره کرد.

فشار مالیات‌ها بر کشاورزان زمانی بیشتر شد که علاوه بر پرداخت تحمیلات مختلف، ناگزیر بودند انواع بیگاری‌ها برای مالک یا شاه را نیز تحمل کنند. از این نظر، وضع اقتصادی کشاورزان در ایالات حاکم‌نشین (ممالک) یا خصوصی به نسبت بهتر از وضع رعایا در ایالات خاصه بود. فشارهای اقتصادی تحمیلی در این دوره با پیشرفت روند خاصه‌سازی رو به فزونی نهاد، به گونه‌ای که گاهی کشاورزان به ناگزیر از روستاهای خود می‌گریختند یا دست به شورش می‌زدند. مجموعه این شرایط سبب شد که جامعه روستایی روز به روز فقیرتر شود و با اندکی تسامح می‌توان گفت این روند انحطاط طبقه کشاورزان نقش مهمی را در زوال سلسله صفویان ایفا کرد. همچنین باید به این نکته هم اشاره کرد که کشاورزان فارس مالکیت خصوصی چندانی بر روی زمین‌های کشاورزی خود نداشتند و همواره تحت امر اربابان خود به فعالیت کشاورزی می‌پرداختند. از شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که در نظام زمینداران صفویان، امکان مالکیت برای کشاورزان عادی وجود نداشته‌است. بیشتر اراضی ملک شاهی، خاصه بودند و کمتر اربابی. در اراضی خاصه، وزیران اختیار اراضی را در دست داشتند و روستاییان، بنا بر توانایی خود از وزیر مقداری زمین می‌گرفتند و به میل خود کشت می‌کردند؛ بنابراین، کشاورزان، که بزرگ‌ترین طبقه اجتماعی را در این دوره تشکیل می‌دادند، در هیچ‌یک از اشکال زمینداری، مالکیتی نداشتند و فاقد زمین بودند. این نشان از آن دارد که مالکیت خصوصی برای صاحب‌منصبان و افراد و

دودمان‌های سرشناس، آن هم طبق شرایط و ضوابط خاص و با محدودیت‌هایی امکان‌پذیر بوده‌است و نه برای تمام کشاورزان معمولی.

منابع و مأخذ:

- آربری، ا.ج. *شیراز*. ترجمه منوچهر کاشف، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- ابن بلخی. *فارسنامه*. به تصحیح گای لیسترانج و رینولد الن نیکلسون، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۴.
- تاورنیه، ژان باتیست. *سفرنامه*. ج ۲، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۳۶.
- ثواقب، جهانبخش. «بررسی علل و پیامدهای قتل امام قلی‌خان حاکم فارس در عصر شاه صفی».
- پژوهش‌های تاریخی*، ش. ۳، س ۲.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسین. *فارسنامه ناصری*. ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- حکیم، محمدتقی‌خان. *گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران*. به اهتمام محمدعلی صوتی و جمشید کیان، تهران: نشر زرین، ۱۳۶۶.
- سلطانیان، ابوطالب. «بررسی عوامل مؤثر بر وضع اقتصادی کشاورزان در دوره صفویان». *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، ش. ۲، س ۴۶، ۱۳۹۲.
- سمسار، محمدحسن. «دو فرمان و مهری تاره از پادشاهان صفویه و زندیه». *بررسی‌های تاریخی*، ش. ۴۶، ۱۳۵۲. ص ۷۷-۹۴.
- سیوری، راجر. *ایران عصر صفویه*. ترجمه احمد صبا، تهران: کتاب تهران، ۱۳۶۳.
- شاردن، ژان. *سفرنامه شاردن*. ج ۳، ۸ و ۹، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: نشر توس، ۱۳۷۴.
- فوران، جان. *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)*. ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات فرهنگی رسا، ۱۳۹۲.
- لمبتن، ان.کی.اس. *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- میرجعفری، حسین و دیگران. «پیامدهای سیاست خاصه‌سازی در دوره صفویه». *مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره ۲، ش. ۴۶، ۱۳۸۵.

- مینورسکی، ولادیمیر فنودروویچ. *سازمان اداری حکومت صفوی (تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک)*. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۸.
- وثوقی، محمدباقر. *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*. تهران: سمت، ۱۳۸۷.
- وحید قزوینی، محمدطاهر. *عباسنامه*. به کوشش ابراهیم دهگان، اراک: نشر داودی، ۱۳۲۹.

